

فراخوان «روشنای شهر ۳» تمدید شد



فراخوان «طراحی نقاشی دیواری ویژه مناطق ۱۳۹۹» با توجه به استقبال و مشارکت هنرمندان، تا ۴ مرداد تمدید شد. فراخوان دیوارنگاری شهدای «روشنای شهر ۳» با هدف ارج نهادن به مقام والای شهیدان و تقویت فضای بصری مرتبط با موضوع ایثار و شهادت در شهر منتشر شده است. در این فراخوان از تمام هنرمندان کشور دعوت شده تا از طریق سایت اداره امور هنری، در فراخوان «روشنای شهر ۳» شرکت نمایند؛ که با توجه به استقبال و مشارکت هنرمندان، مهلت شرکت در آن تا روزشنبه ۴ مردادد تمدید شده است. لازم به ذکر است بنا به اعلام روابط عمومی سازمان اجتماعی فرهنگی شهر داری مشهد، این تاریخ تمدید نخواهد شد.

برگزاری «تور ارگ» و آشنایی با پاتوق های هنری

ماعون فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد از برپایی «تور ارگ» با هدف آشنایی گروه‌های مرتبط با پاتوق‌های ادبی و هویتی این خیابان تاریخی خبر داد. صدرا یوسفی با اعلام این خبر گفت: خیابان ارگ در روزگاری، مرکز هنرهای نمایشی مشهد به شمار می‌رفت و ۹ سینمای فعال در دل خود داشت. همچنین پیشینه صد سال فعالیت در تئاتر، در این خیابان به ثبت رسیده است. از این رو اجرای برنامه‌های «هفته ارگ» به مهمت دبیر خانه چهارسوی مشهد که مستقر در فرهنگ‌سرای بهشت است، در دستور کار قرار گرفت.

او با اشاره به برنامه‌هایی که در این هفته برگزار شده است مشهد از برپایی «تور ارگ» با هدف آشنایی گروه‌های مرتبط با حضور سید محمد بهشتی و سعید مهر پویا اختصاص داشت که در روز دوشنبه، ۲۳ تیر بر گزار شد. برگزاری تور ارگ، دومین برنامه‌ای بود که بعدازظهر سه‌شنبه، ۲۴ تیراجرا شد و میزبان تعدادی از شهرسازان، معماران، فیلم‌سازان و دیگر گروه‌های مرتبط بود.

یوسفی با تأکید بر رعایت پروتکل‌های بهداشتی در برپایی تور ارگ گفت: این تور که با افراد محدود و رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و پروتکل‌های بهداشتی برپا شد، بازدیدکنندگان را با بناهای تاریخی، بُعد هویتی و پاتوق‌های ادبی و تاریخ صدساله سینما و تئاتر در خیابان ارگ مشهد آشنا کرد.

برگزاری جشنواره موسیقی جوان به صورت مجازی

مدیرعامل انجمن موسیقی ایران با اشاره به اتمام هر حله اول دوری آثار شرکت کننده در چهاردهمین جشنواره موسیقی جوان از برگزاری مجازی این رویداد در مرحله نهایی خبر داد. به گزارش خبرگزاری مهر، علی ثابت‌نیا مدیرعامل انجمن موسیقی ایران و دبیر اجرایی چهاردهمین جشنواره ملی «موسیقی جوان» درباره نحوه برگزاری این دوره از جشنواره بیان کرد: مرحله اول دوری و ارزیابی آثار شرکت کننده در چهاردهمین جشنواره ملی موسیقی جوان تقریباً رو به پایان است و غیر از چند نمونه مرتبط با موسیقی ایرانی، هیئت داوران در یکی دو روز آینده آثار شرکت کننده در بخش نهایی را معرفی خواهند کرد.

او تأکید کرد: در روزهای اخیر تلاش شده بود که از سوی ستاد برگزاری جشنواره موسیقی جوان، اجرای کامل شیوه‌نامه‌های بهداشتی مربوط به روزهای کرونایی در ایام منتهی به جشنواره انجام شود، اما به طور حتم سلامتی شرکت کنندگان و هیئت داوران و اعضاء ستاد برای ما از درجه اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. بنابراین با توجه به اوضاع بهداشتی روزهای اخیر و دستورالعمل‌های موجود ستاد اجرایی جشنواره، تصمیم گرفت تا هر حله دوم جشنواره نیز مانند مرحله اول به صورت غیر حضوری برگزار شود. به گفته ثابت‌نیا در هر حله نهایی جشنواره موسیقی جوان شرکت کنندگان بر اساس صفحات نت نویسی شده که از طریق فضای مجازی برای آن‌ها ارسال خواهد شد در بخش‌های موسیقی کلاسیک، موسیقی ایرانی و موسیقی نواحی به صورت مجازی شرکت می‌کنند. این در حالی است که جشنواره در صدد است در صورت فراهم شدن امکانات فنی شرایطی را ایجاد کند که فیلم آثار شرکت کننده در جشنواره در زمان بندی درست به صورت عمومی در فضای مجازی منتشر شود که مخاطبان از هنرنمایی این هنرمندان مستعد و جوان بهره‌مند شوند. البته برای آشنایی بیشتر با برگزاری این دوره نیز برنامه‌ریزی‌هایی انجام شده که به‌زودی نتایج آن اعلام می‌شود.

دبیر اجرایی چهاردهمین جشنواره ملی موسیقی جوان یادآور شد: با توجه به شرایط این روزهای شیوع ویروس کرونا بسیار بعید است که شرایط اجرای حضوری شرکت کنندگان در جشنواره فراهم شود. همچنین دیگر وقتی برای تدارک اجرای حضوری نداریم بنابراین به طور یقین چهاردهمین جشنواره ملی موسیقی جوان به صورت مجازی برگزار می‌شود.

ساخت یک مستند پرتره علمی بابازی جلیل فرجاد

مستندی با نام «صفر و بی‌نهایت» با بازی جلیل فرجاد و با مضمون معرفی بنیان‌گذار نوبل ایرانی ساخته می‌شود. به گزارش ایسنا، مجموعه دو قسمتی (چهل و پنج دقیقه‌ای) «صفر و بی‌نهایت» درباره زندگی مرحوم حسینعلی البرز، از مشاهیر علمی - آموزشی کشور در حال تولید است.

طبق اعلام دست‌اندرکاران، این مجموعه با توجه به ضرورت معرفی هر چه بیشتر شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار کشورمان ساخته می‌شود. جلیل فرجاد - بازیگر نقش مرحوم حسینعلی البرز -، دکتر فرهاد معماری، علی‌صابری و بنیامین صفاپور در این مجموعه به ایفای نقش می‌پردازدو کارگردانی مجموعه امهدی ضحاکي وسجاد فرامرزى به طور مشترک برعهده دارند. لازم به ذکر است اسناد بنیاد البرز، کتاب چهره ماندگار وقف به قلم منوچهر فقیهه و روزنامه‌های اطلاعات و کیهان از منابع استفاده شده در این مستند هستند.

ضرورت همپوشانی ارکان آنلاین و ارکان سالنی



وی‌اودی‌ها و فیلم «فیگور» ساخته پوریا پارسامقدم را آماده ارکان دارد درباره قاچاق فیلم‌ها و تأثیر آن روی ارکان آنلاین به هنر آنلاین گفت: قاعدتا بحث قاچاق فیلم نیز روی کم شدن اقبال ارکان آنلاین تأثیرگذار بوده است. روز اول ارکان آنلاین فیلم «خروج»، عده ای با اطمینان گفتند قاچاق فیلم صورت نمی‌گیرد، اما در دو روز این اتفاق رقم خورد و معلوم شد

همچنان دچار مشکل هستیم و هنوز زیرساخت‌ها درست نشده است و برای فیلم‌های دیگر نیز این اتفاق در کمتر از یک روز رخ داد. ضمن اینکه ما برای ارکان آنلاین نیازمند تبلیغات ویژه بودیم، قاعدتا فیلم‌سازی که سه میلیارد تومانی هزینه تولید فیلم داشته، فروش ۴۰۰ میلیون تومانی برای

شکیبا افخمی‌راد
sh.afkhami@shahraranevs.ir

ابراهیم ایرج‌زاد سینماگر مشهدی امروز سی‌ونه ساله می‌شود، هنرمندی که بعداز تجربه ساخت ۷ فیلم کوتاه توانست با اولین فیلم بلند سینمایی‌اش «تابستان داغ» جایگاهش را به عنوان یک کارگردان در سینمای ایران تثبیت کند. «تابستان داغ» اولین بار در سی‌وپنجمین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و توانست با جلب نظر هیئت داوران بانامزدی در ۱۳ رشته، حائز رکورد بیشترین تعداد نامزدی در آن دوره از جشنواره شود و در نهایت نیز با دو سیمرغ بهترین فیلم‌برداری و تدوین به کار خود پایان دهد. البته خود ایرج‌زاد باور دارد اگر عدالت برقرار و تصمیمات برپایه اصول سینما بود، می‌شد موفقیت‌های «تابستان داغ» در جشنواره فیلم فجر بیشتر باشد. اما در حال او در مجموع این فیلم را به عنوان اولین تجربه ساخت فیلم بلند، قدم محکمی می‌داند که انتظارانش را برای حرکت به سمت قدم دوم برآورده کرده‌است. قدم دوم را این سینماگر مشهدی سال گذشته برداشت. آن‌هم با فیلمی با موضوع حساس که به قتل‌های زنجیرهای دهه ۷۰ در مشهد و ماجرای سعید حبایی می‌پرداخت. اثری با بازی محسن تانینده و ساره بیات و به نویسندگی اکتای براهی با نام «عنکبوت» که بسیاری منتظر ارکان آن در سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر بودند، اما این اتفاق رخ نداد. اتفاقی که ایرج‌زاد دلیل آن را سینمایی نمی‌داند. اکنون با شیوع بیماری کرونا زمان ارکان عمومی این فیلم همچنان مشخص نیست اما این سینماگر مشهدی امیدوار است با بهبود اوضاع بتواند اثر دومش را در شهریور امسال در سینماها ارکان کند. در ادامه گفت و گوی ما با ابراهیم ایرج‌زاد را که درباره کودکی، نوجوانی و جوانی اوست می‌خوانید.

ابتدا از تجربیاتتان در مشهد بگویید چه شد که به سینما علاقه‌مند شدید؟

پنج ساله بودم که به همراه عموم برای اولین بار به سینما رفتم. خوب به یاد دارم لحظه‌ای را که وارد سالن سینما شدم، خیلی خیلی بزرگ بود با جمعیت بسیار زیادی روبه‌رو شدم که مقابل پرده‌ای بزرگ نشسته بودند. پر از سؤال و تعجب بودم و نمی‌دانستم چه اتفاقی قرار است بیفتد. اصلا همه این‌ها برای چیست. چند روز قبل از آن، برادرم که از من سه سال بزرگ‌تر است از تجربه دیدن فیلم روی دیوار بزرگ در جایی که اسمش سینما بود یا هیجان حرف زده بود و من که حسایی کنجکاو شده بودم او و عموی کوچکم را که باهم به سینما رفته‌بودند، تهدید کردم اگر من را بخودشان به اینجایی که می‌گویند نبرند ماجرا را به پدرم می‌گویم. آخر فهمیده بودم که عموم برادرم را بدون اجازه پدرم به سینما برده بود... اما آن روز که به سینما رفتم ناگهان سالن بزرگ در تاریکی کامل فرو رفت و برای لحظاتی بسیار کوتاه فقط تاریکی بود و همه‌هم کم‌زور جمعیت که آن نیز رو به خاموشی می‌رفت تا اینکه یکباره نور باریکی از دل تاریکی و درست از بالای سر من - که در میانه سالن بین

او کافی نیست و از مسیر ارکان آنلاین خارج می‌شود و به آن اقبال نشان نمی‌دهد. این تهیه‌کننده درباره تشکیل کارگروه پیشگیری از قاچاق فیلم نیز توضیح داد: این گروه زمانی می‌تواند اثرگذار باشد که تمام شرایط ارکان را بررسی کند و این بررسی صرفا به ارکان آنلاین اختصاص نیابد. در این چارچوب باید تصمیم‌گیری جدی برای ارکان چه سالنی و چه آنلاین انجام دهند.

سازمان سینمایی و شورای ارکان باید تصمیم



که من هفت ساله شدم و برادرم ده ساله. تابستان بود عمومیم، کسی که ما را به سینما می‌برد دیگر نبود. به سر بازی رفته بود. پس من برادرم را راضی کردم که بدون آنکه کسی خبردار شود با همدیگر به سینما برویم. آن زمان سینما آزادی، آفریقا و هویزه مشهد می‌رفتیم. به یاد دارم برادرم طرف‌دار فیلم‌های ابوالفضل پورعرب و فیلم‌های خانوادگی بود و من طرف‌دار فیلم‌های اکشن و جمشید هاشم‌پور که به زینال‌بندری معروف بود. در آن زمان خانواده‌ها زیاد به سینما نمی‌رفتند و بیشتر سینماها پاتوق جوان‌ها بود. به دلیل همین وقتی من و برادرم از سینما برمی‌گشتیم، همه خواهرهایم گرد من و برادرم می‌نشستند تا برادرم قصه فیلم را برایشان تعریف کند. غیر آن‌ها که با هیجان گوش می‌کردند. من هم سرا پا گوش بودم انگار اصلا داخل سینما نبودم. یک بار خواستم به جای برادرم من قصه فیلم را تعریف کنم اما بعد از گفتن چند صحنه رشته کلام از دستم در رفت و خواهرهایم به چیزهای بی ربطی که می‌گفتم اعتراض کردند و برادرم از ابتدا شروع کرد داستان فیلم را گفتن. عصبانی بودم که چرا نمی‌توانم داستان فیلم را به یاد بیاورم به همین دلیل تصمیم گرفتم دیگر در حین دیدن فیلم در سینما چیزی نخورم و تمام حواسم باشد تا همه قصه کامل در ذهنم بماند که بتوانم فیلم را در رستی برای خواهرانم تعریف کنم.

کسی هم در اطرافیان‌تان بود که تحت تأثیر او به سینما علاقه‌مند شده باشید؟

غیر از عمومیم که وقتی مجرد بود تقریبی سینما می‌رفت کسی نبود. نه در اقوام و نه آشناهای کسی اهل سینما نبود که بخواد الگو یا مشاور من باشد یک حسی بود که درون خود من وجود داشت. با همین حس بزرگ شدم تا وقتی به دبیرستان رسیدم و می‌خواستم انتخاب رشته کنم پرس‌وجو کردم و دیدم برای رشته سینما فقط باید تهران رفت آن هم برای دانشگاه و من با دانشگاه ۴ سال فاصله داشتم. از آنجایی که به هیچ رشته دیگری علاقه نداشتم، به یک بی‌هدفی و گمراهی دچار شدم. به یاد دارم در سال اول دبیرستان ۱۴ واحد برداشتم که ۹ واحدش را افتادم. پدرم از این بابت خیلی شاکی بود و یک‌روز به من گفت تو باید برای ارتش ثبت‌نام کنی و وارد دانشکده افسری شوی. آن زمان داشتم از همان مقطع سیکل نیرو می‌گرفتم. من هم چون ایده‌ای نداشتم، رفتم مصاحبه‌ها را انجام دادم. چند روز بعد رفتم برای جواب مصاحبه استخدامی، پذیرفته شده بودم و باید چند روز بعد در ترمینال می‌بودم که اتوبوس مشخص شد، من و دیگر منتخبان را به یادگان هواپرواز اصفهان ببرد. نمی‌دانستم چه اتفاقی دارد می‌افتد گنج بودم، این چیزی نبود که می‌خواستم اما برای رسیدن به خواسته‌ام چیزی در اختیارم نبود. با اینکه مسیر طولانی بود شروع کردم به پیاده رفتن به سمت خانه از چهارراه اشرف تا میدان تقی‌آباد و باخودم فکر می‌کردم، چشمم افتاد به آن سمت میدان که ساختمان هنرستان فنی حرفه‌ای شهید بهشتی بود دو نفر داشتند یک پلاکارد زرد رنگی نصب می‌کردند. روی آن چیزی نوشته شده بود که نگذاشت سر نروشت مرا به سمتی ببرد که اصلا دلم نمی‌خواست: «برای اولین بار در استان خراسان رشته کارگردانی سینما در هنرستان غیرانتفاعی سوره مشهد افتتاح گردید.» به همراه آدرس شماره تماسی هم نوشته شده بود. همان لحظه ساکم را گذاشتم و رفتم جلوتر و از نزدیک ۱۰ بار نوشته را خواندم چنین معجزه‌ایی باورم نمی‌شد. با شماره‌ای که آنجا بود تماس گرفتم و اطلاعات لازم برای ثبت‌نام را گرفتم. همان لحظه با پدرم تماس گرفتم و گفتم من می‌خواهم کارگردان سینما بشوم و لاغیر. الان هم دارم می‌ایم خانه که باهم برویم تا در هنرستان سوره ثبت‌نام کنیم. پدرم شوکه شده بود. اما من منتظر جواب نماندم. بلیت و مدارک دانشکده افسری را پاره کردم و به سمت خانه رفتم. خوشبختانه پدرم که اشتیاقم را دید خیلی زود راضی شد. به این ترتیب قصه ورود من در راه فیلم‌ساز شدنم در شانزده سالگی کلید خورد.

اولین باری که به سراغ ساخت فیلم رفتید چه زمانی بود؟

من سال ۷۶ وارد هنرستان سوره مشهد شدم. به موازاتش برای دوره‌های کارگردانی یک‌ساله انجمن سینمای جوان نیز ثبت‌نام کردم. در هنرستان و انجمن

بگیرند و این شرایط را فراهم کنند. در شرایطی که مردم از سالن‌های سینمایی استقبال نکردند، باید بخش ارکان آنلاین تقویت می‌شد و اکنون این کاستی وجود دارد. بنابراین باید برای آینده فکری کنند. به‌طور مثال می‌توانند پس از بازگشایی سالن‌های سینمایی و آغاز ارکان فیلم‌ها برای اینکه صف ارکان طولانی نشود و فیلم‌ها خیلی در نوبت باقی‌نمانند از زمان ارکان سالنی فیلم‌ها کم کنند و مابقی زمان را به ارکان آنلاین بیفزایند، به نظر من باید از هر دو فضا در یک جبهه مشخص که همپوشانی داشته باشند، استفاده کرد.

همه چیز در مباحث تئوریک خلاصه شده بود و کار عملی به آن معنا وجود نداشت. تا اینکه دوره کارگردانی انجمن که تمام شد از ما خواستند برای پایان دوره فیلم کوتاه بسازیم. من نیز فیلم‌نامه یک صفحه‌ای نوشتم و با دو، سه نفر از هم کلاسی‌هایم تصمیم گرفتم فیلم را بسازیم. کاراکتر اصلی یک تک درخت و یک برگ بود که سمت روستای کنگ فیلم‌برداری کردیم درواقع فیلم حالت انتزاعی داشت. زمانی که سمت میز مونتاژ رفتیم تا راش‌ها را به‌هم ببینیم. دیدم دوربین در فیلم تکان می‌خورد، صداها کیفیت خوبی نداشت و فیلم به لحاظ فنی بار خیلی ضعیفی داشت. همانجا باخودم عهد کردم تا زمانی که تجربه عملی‌ام را با حضور در صحنه و کار با کارگردان شناخته شده به تجربه تئوری‌ام نرسانم دیگر فیلم نسازم. در واقع آن راش‌ها و تصاویر حالم را بد کرد و از خودم خیلی ناراضی شدم.

این روند را زمانی که در رشته کارگردانی دانشگاه سوره اصفهان هم قبول شدید، ادامه دادید؟

من وقتی وارد دانشگاه سوره اصفهان شدم طبق قولی که به خودم داده بودم خیلی سریع تلاش کردم با دانشجویانی که دانششان از من بیشتر بود ارتباط برقرار کنم و وارد حرفه سینما شوم تا با کسب تجربه عملی بتوانم اولین فیلم کوتاه‌م را بسازم.

برای همین کسب تجربه بیشتر بود که در ابتدای مسیر کاری‌تان به سراغ صدابرداری رفتید؟

در سال‌های اولیه دوران دانشگاه محمد شیروانی داشت فیلم بلند اولش به نام «اف» را کار می‌کرد. آن زمان من با هومن بهمنش دوست شده بودم که دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز آن کار بود. از هومن خواستم اگر نیاز به یک نفر در تیم بود خبر دهد تا من هم به گروه ملحق شوم که این اتفاق رخ داد و من برای انجام کارهای تولید و نذارکات به فیلم سینمایی «ناف» اضافه شدم. چندماه‌ی برای این فیلم در تهران کار کردم. تا اینکه در روزهای پایانی یکی از دوستان دیگرم تقی نعمتی منی خواست برای همکاری با رهبر قنبری در فیلم دوشم به نام «او» به عنوان مدیر تولید در فیلم‌سازی شرکت کنم. با این کار به عنوان مدیر تولید دوستی من نیز باعث شد که پشت سر هم در چند پروژه سینمایی به عنوان بوم‌من حضور داشته باشم. از جمله کار عبدالرضا کاهانی، علیرضا امینی و وحید موساییان. تا اینکه پیشنهاد کار در فیلم ناصر تقوایی به من داده شد. فیلمی که «جای تلخ» نام داشت و قرار بود در آبادان جلوی دوربین برود. آن زمان من سرکاری در درستان بودم از خوشحالی ششیدن اسم ناصر تقوایی گفتم که حاضرم تا آبادان سینه‌خیز بروم. در واقع استاد اصلی من در فیلم‌سازی آقای تقوایی بود. چون من اصولا سینمای آقای تقوایی و مهرجویی را به دلیل قصه‌گو بودن سینماشان بیشتر از دیگران دوست داشتم. سه ماه در این پروژه کار کردم و من سعی کردم از همه ثانیه‌هایش استفاده کنم که متأسفانه به دلایل غیرسینمایی بعد از سه ماه آن کار تعطیل شد و به سرانجام نرسید. اما من آنجا تمرینات آقای تقوایی با بازیگرها، مدیریت عوامل، اهمیتی که به عناصر صحنه می‌داد و اینکه متن فیلم‌نامه را چطور به تصویر تبدیل می‌کرد را از نزدیک دیدم. تجربه منحصر به فردی بود که خیلی چیزها به من یاد داد.

چه زمانی به این نتیجه رسیدید که آمادگی ساخت فیلم کوتاه را دارید؟

با تجربیاتی که در دانشگاه به دست آورده بودم تقریباً هر کس می‌خواست برای پایان‌نامه‌اش فیلم کوتاه کار کند برای صدابرداری من را انتخاب می‌کرد. سال آخر دانشگاه بود که نقی نعمتی می‌خواست اولین فیلم بلندش را بسازد و من هم به



۱۴



فرهنگ و هنر

غزاله حسین‌پور
gh.hoseinpour@shahraranevs.ir

نامش خسرو بود، اما نزدیکان محمود صدایش می‌کردند. به گفته خودش چون مادرش بچه‌دار نمی‌شده، از خدا می‌خواهد تنها یک پسر سالم به

پادبود

صدای سبز ماندگار

به مناسبت دوازدهمین سال درگذشت «خسرو شکیبایی»

رفت و بازی در «خط قرمز» مسعود کیمیایی در سال ۱۳۶۱ را نیز به عنوان اولین تجربه حرفه‌ای در سینما پذیرفت. با وجود بازی در چند فیلم دیگر، شکیبایی همچنان گمنام بود تا اینکه ایفای نقش در فیلم «هامون» داریوش مهرجویی، ورق را برگرداند و نقطه عطفی در زندگی هنری و کاری او رقم زد. این

جوانمرد نویسنده و کارگردان تئاتر، به عنوان بازیگر در تئاتر مشغول به کار شد. شکیبایی در رشته بازیگری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران تحصیل کرد و پس از گذشت پنج سال از آغاز فعالیتش در عرصه تئاتر، وارد حرفه دوبله شد. او برای اولین بار در سال ۱۳۵۲ در فیلم کوتاه «کتیبه» جلوی دوربین

